

خطرناک‌ترین انتخابات در انتظار امریکا

■ ترجمه: زهراسادات آفرینی

رابرت‌ای پیپ*، فارین افروز در کمتر از یک دهه، خشونت به ویژگی ثابت و تکان دهنده‌ای در عرصه سیاسی امریکا تبدیل شده است. سال ۲۰۱۷، یک افراط‌گرای چپ به نام استیو اسکالیس، رهبر اکثریت جمهوری خواه مجلس نمایندگان و چهار نفر دیگر را به ضرب گلوله کشت. تلاش کنگره برای جلوگیری از روی کار آمدن جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب دموکرات نمونه دیگری است. در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری امسال هم دو سو، قصد خشنی شده علیه دونالد ترامپ، نامزد جمهوری خواه، همراه با موجی از تهدیدات علیه شخصیت‌های سیاسی صورت گرفته است. در واقع انتخابات نوامبر نه تنها مهم‌ترین انتخابات در تاریخ مدرن ایالاتمتحده، بلکه می‌تواندخطرناک‌ترین نیز باشد.

تعداد فزاینده چنین رویدادهایی نباید برای امریکایی‌ها یا ناظران در سراسر جهان غافلگیرکننده باشد. همانطور که تحلیلگران اشاره کرده‌اند، دلایل زیادی برای افزایش خشونت وجود دارد. برخی از کارشناسان، تضعیف مداوم نهادهای منتقد دموکراتیک و به تبع آن، تمایلات ضددمو کراتیک،محافظه‌کاران سفیدپوست فقیر و منزوی را منظر قرار داده‌اند. برخی دیگر به اثرات رادیکالیزه و قطبی‌سازی حزبی اشاره کرده‌اند. بسیاری از تحلیلگران هم ترامپ را مقصر دانسته‌اند. هر یک از این عوامل به واقع به تقویت سیاست‌های جنجال برانگیز ایالات متحده کمک می‌کند. اما تمامی این تفسیرها، تحولات ساختاری غالب را نادیده می‌گیرد، یعنی همان مواردی که دوران جدید خشونت را به پیش می‌برد. در واقع، خطر اصلی برای ایالاتمتحده، هیچ فناوری خراج از کنترل یا گروه شبه نظامی حاشیه‌ای یا ناراضیاتی اقتصادی نیست. حتی ترامپ به همان اندازه که یک علت محسوب می‌شود، اما به خودی خود نشانه‌ای از مشکلات ایالات متحده است. در عوض، بزرگ‌ترین منبع خطر، از بر خورد فرهنگی درباره هویت ایالاتمتحدناشی می‌شود.بازگران اصلی آن، رادیکال‌های منزوی نیستند بلکه تعداد زیادی از امریکایی‌های عادی‌اند.تحقیقات جدیدی که تیم من در دانشگاه شیکاگو انجام داده نشان می‌دهد که دهیامیلیون دموکرات، جمهوری خواه مستقل معتقدند، خشونت‌سیاسی، امری قابل قبول است. نکته حائز اهمیت این است که بسیاری از آنها از طبقه متوسط و بالا و دارای خانه‌های خوب و تحصیلات دانشگاهی هستند.

رابرت‌ای پیپ

■ امریکا در معرض درگیری‌های شدید و مرگبار

دعای این کشور سر هویت ملی ابعاد متعددی دارد. اما جدی‌ترین مسئله مربوط به تغییر جمعیتی است. در سال ۱۹۹۰، ۷۶درصد از جمعیت ایالاتمتحده سفیدپوست بودند. تا سال ۲۰۳۵، سهم به ۵۴درصد کاهش خواهد یافت و یک دهه بعد، به زیر ۵۰درصد خواهد رسید. این تغییرات منجر به خشم فزاینده در میان محافظه‌کاران شده است که بسیاری از آنها افزایش تنوع قومی را تهدیدی وجودی برای شیوه زندگی خود می‌دانند. رای دهندگان به ترامپ و جنبش ملی گرای او، پذیرفته‌اند، او وعده توقف چنین تغییری در مسیر خود را می‌دهد. سیاست‌ها و لفاظی‌های طردکننده ترامپ به نوبه خود، واکنش شدید لیبرال‌ها را برانگیخته است. آنها می‌رسند که موفقیت محافظه‌کاران به هزینه آزادی‌هایی تمام شود که امریکایی‌ها آن‌ها را به سختی به دست آورده‌اند. خشم هر دو طرف مطابق با سابق تاریخی است. محققان مدت‌هاست متوجه شده‌اند، تغییرات اجتماعی و تغییرات جمعیتی یک کاتالیزور قوی برای خشونت هستند و مانند نقطه دیگر در جهان، چرخش به سمت زور در ایالات متحده اساساً ماهیت پوپولیستی دارد. میلیون‌ها امریکایی که از خشونت سیاسی حمایت می‌کنند به این نتیجه رسیده‌اند که خبیگان کشورشان خیلی فاسدند و دموکراسی

آنها به‌طور کامل در هم شکسته شده است به همین دلیل، شورش‌ها، ترورهای سیاسی و حملات قهری نه تنها قابل قبول، بلکه برای ایجاد دموکراسی واقعی امری ضروری است؛ همان چیزی که مردم سوازان آن هستند. این تفکر، انواع جنبش‌های پوپولیستی است که در آن، مردم با عصیانیت به یک رهبر سیاسی، حزب یا جنبش می‌چسبند، تا به اصطلاح بر تشکیلات حاکم غلبه کنند.متأسفانه، پوپولیسم خشونت‌آمیز، احتمالاً در سال‌های آینده، نمود بیشتری خواهد داشت. در طول تاریخ، جوامعی که در آنها تعداد زیادی از مردم از خشونت سیاسی حمایت می‌کنند، احتمال ناآرامی بیشتری وجود دارد. هیچ راهی برای جلوگیری از تغییر جمعیتی ایالاتمتحده وجودندارد، حتی اگر وجود داشته باشد، انجام این کار اشتباه خواهد بود. تنوع، این کشور آن را قوی‌تر می‌کند. بر خسی پیش‌بینی کرده‌اند، ایالاتمتحده ممکن است، در پر تگاه یک جنگ داخلی تمام عیار قرار نگیرد اما این کشور در حال ورود به دوره‌ای از درگیری‌های شدید مرگبار است؛ درگیری اعم از شورش‌هایی با انگیزه سیاسی، حملات علیه اقلیت‌ها، حتی ترورها.

■ بعد است پیرامون فروکش کند

در بیشتر تاریخ امریکا، خشونت سیاسی به حواشی جامعه تنزل یافته است. در طول دهه‌های ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و دهه اول این قرن، این کشور تعداد زیادی از حوادث تروریستی

داخلی را تجربه کرد که معروف‌ترین آن بمب‌گذاری سال ۱۹۹۵ در ساختمان فدرال در اوکلاهاماسیتی بود. اعتصابات بسیار اندکی هم رخ داد. این موارد به غیر از حمله اوکلاهاما سیتی، به ندرت خسارت قابل توجهی به کشور وارد کردند. در واقع تهدید اصلی تروریسم خارجی بود. همانطور که ۱۱ سپتامبر به طرز دردناکی خود را نشان داد. با این حال، امروزه خشونت سیاسی داخلی بسیار بیشتر است. آمارهای گردآوری شده دفتر تحقیقات فدرال وزارت امنیت داخلی نشان می‌دهد، حوادث تروریستی داخلی بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱ به میزان ۳۵۷درصد افزایش یافته است. تروریسم داخلی هم از جانب چپ و هم در راست گرایان رخ داده است. اگر چه افراط گرایان ضد دولتی و برتری طلب سفید، ۴۹درصد از حملات و توطئه‌ها را در سال ۲۰۲۱ انجام دادند اما آنارشیست‌ها، ضد فاشیست‌ها و انواع افراط گرایان چپ، ۴۰درصد از حوادث ثبت شده به وسیله FBI را در آن سال انجام دادند (در مقایسه با ۲۳درصد در سال ۲۰۲۰). از این نکته هم نباید غافل شد که اعضای دموکرات و جمهوری خواه کنگره از سال ۲۰۱۷ تقریباً به طور مساوی مورد حمله قرار گرفته‌اند.

امروز، پایان سخت مهاجرت نمی‌تواند چالش‌های امریکا را حل کند. حتی سیستن کامل مرزهای ایالات متحده، روند اقلیت‌شدن سفیدپوستان را تا حدود یک دهه کند خواهد

جبر غربی برای تغییر در د کترین هسته‌ای روسیه



توضیح‌داده که در نسخه جدیدد کترین هسته‌ای، شرط استفاده روسیه از تسلیحات هسته‌ای در ریافت اطلاعات مؤثق درباره شروع حملات گسترده هوایی- فضایی و عبور از مرزهای کشور فدراسیون روسیه است: «منظور من نقض حریم هوایی روسیه از سوی هواپیماهای استراتژیک یا تاکتیکی، موشک‌های کروز، پهپادها، سلاح‌های مافوق صوت و دیگر ابزارهای پروازی است.» پوتین گفته که سند جدید بر پایه تجربه و تحلیل عمیق و از رایبای دقیق نیاز به تغییر رویکردهای روسیه به استفاده احتمالی از نیروهای هسته‌ای تدوین شده است.

ولادیمیر پوتین، همچنین به یکی از نکات مهم نسخه به‌روز شده د کترین روسیه اشاره کرد

د کترین

روسیه که اکنون با اقدامات تهاجمی ناتو و امریکا مانند کمک‌های نظامی گسترده به اوکراین، حمایت‌های اطلاعاتی و اعزام نیروهای غربی برای کمک به اوکراین، آماده باش هسته‌ای ناتو و به تازگی هم، با اعطای مجوز به اوکراین برای استفاده از سلاح‌های امریکایی مواجه است، چاره‌ای جز افزایش توان بازدارندگی هسته‌ای استراتژیک خود نمی‌بیند

است. اما این اقدام پرخطر که به حمایت برخی کشورهای غربی مانند بریتانیا روبرو شد، واکنش جدی روسیه را در قالب هشدار هسته‌ای صریح پوتین به دنبال داشته است. مسکو قصد جدی دارد تا در برابر این استراتژی اوکراین و ناتو مقاومت کرده و به بحث و جدل‌ها بین سران غربی درباره ارائه کردن یا نکردن مجوز به کی یف برای استفاده از سلاح‌های دوربرد اعم از موشک‌های کروز و موشک‌های زمین‌بر تاپ دقیق در هدف قرار دادن عمق خاک روسیه پایان دهد. در واقع، روسیه به آخرین کارت برنده خود در برابر غرب یعنی زرادخانه هسته‌ای خود متوسل شده و با تغییر د کترین هسته‌ای‌اش، قصد دارد استفاده احتمالی از آن را در سایه تحولات نظامی و امنیتی آینده تسهیل نماید. گارلند نیکسون، تحلیلگر سیاسی امریکایی معتقد است فشار کشورهای غربی عامل تصمیم مقامات مسکو برای ایجاد تغییراتی در د کترین هسته‌ای روسیه شده است. او می‌گوید: «اگر به تاریخ نگاه کنیم، خواهیم دید، خطر برای روسیه به تدریج از سوی امریکا افزایش یافته است. روسیه در طول توافق مینسک، هر فرصتی را برای رسیدن به پایان دیپلماتیک منطقی درگیری‌ها در اوکراین استفاده کرد، ولی همانطور که می‌دانیم، این توافق چیزی جز یک فریب خصمانه از سوی امریکا و متحدان اروپایی‌اش نبود.»

■ اقدامی اجتناب‌ناپذیر

روسیه که اکنون با اقدامات تهاجمی ناتو و امریکا در قالب کمک‌های نظامی گسترده به اوکراین، حمایت‌های اطلاعاتی و اعزام نیروهای غربی برای کمک به اوکراین، آماده باش هسته‌ای ناتو اکنون اقدام و اشنیگتن برای اعطای مجوز به اوکراین برای استفاده از سلاح‌های امریکایی به منظور حمله به خاک روسیه مواجه است، چاره‌ای جز افزایش توان بازدارندگی هسته‌ای استراتژیک خود به مثابه پاسخی به‌خصوص در شرایطی که توقف پیشروی اوکراینی‌ها به نفع روسیه نیست.

مسئله مهم دیگر در سخنان پوتین، اشاره او به این امر است که نیروهای سه‌گانه هسته‌ای هستند مهم‌ترین تضمین‌کننده امنیت روسیه و شهروندان آن و ابزاری برای حفظ توازن راهبردی و تعادل قدرت‌ها در جهان است. او گفته که وضعیت نظامی – سیاسی جهانی به سرعت در

بزرگ‌ترین منبع خطر در امریکا، از بر خورد فرهنگی بر سر هویت ایالات متحده ناشی می‌شود و باز یگران اصلی آن، رادیکال‌های منزوی نیستند بلکه دهها میلیون دموکرات، جمهوری خواه مستقل، شهروند عادی طبقه متوسط، به توسط به بالا و دارای خانه‌های خوب و تحصیلات دانشگاهی هستند تحقیقات دانشگاه شیکاگو نشان داده که معتقدند خشونت سیاسی، امری قابل قبول است

کرد. اما چنین راه حلی نیز غیر قابل قبول خواهد بود. در عین حال، سیاست‌های مهاجرتی که کمتر سختگیرانه هستند، می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد. سیاست‌گذاران باید راه‌های دو حزبی را برای کاهش مهاجرت غیرقانونی بیابند تا حداقل به سطوح تحت دولت اوباما باز گردند. این به معنای اختصاص منابع قابل توجه برای اجرای قوانین جاری و حفظ امنیت مرزهای کشور است و به معنای حفظ مسیرهای معقول شهروندی برای اکثریت قریب به اتفاق مهاجران است. اتخاذ چنین سیاست‌هایی، کاخ سفید و کنگره را به نشان دادن اینکه می‌توان به طور مؤثر بین نیازهای اقتصادی، مسئولیت‌های اجتماعی، ایمنی و نگرانی‌های سیاسی کشور متعادل کرد، در جایگاه بهتری قرار می‌دهد. در ۲۰۲۱ به میزان ۳۵۷درصد افزایش یافته است. تروریسم داخلی هم از جانب چپ و هم در راست گرایان رخ داده است. اگر چه افراط گرایان ضد دولتی و برتری طلب سفید، ۴۹درصد از حملات و توطئه‌ها را در سال ۲۰۲۱ انجام دادند اما آنارشیست‌ها، ضد فاشیست‌ها و انواع افراط گرایان چپ، ۴۰درصد از حوادث ثبت شده به وسیله FBI را در آن سال انجام دادند (در مقایسه با ۲۳درصد در سال ۲۰۲۰). از این نکته هم نباید غافل شد که اعضای دموکرات و جمهوری خواه کنگره از سال ۲۰۱۷ تقریباً به طور مساوی مورد حمله قرار گرفته‌اند.

امروز، پایان سخت مهاجرت نمی‌تواند چالش‌های امریکا را حل کند. حتی سیستن کامل مرزهای ایالات متحده، روند اقلیت‌شدن سفیدپوستان را تا حدود یک دهه کند خواهد

■ امنیت و تهدیدات دانشگاه شیکاگو

چشم‌انداز

فروپاشی ساختمان انگاره‌ای

اسرائیل بعد از هفتم اکتبر

■ سجادمرادی کلارده

طوفان‌الاقصی از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ برخی از انگاره‌های اساسی رژیم صهیونیستی را که تا قبل از آن غیر قابل خدشه به نظر می‌رسید زیر سؤال برد. با اینکه رژیم صهیونیستی به حدود دوده بعد از جنگ ۲۳ روزه حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ سعی در بازسازی روحیه و سازمان نظامی خود داشت، اما حمله برق‌آسای حماس شرایط را طوری رقم زد که توان این رژیم در اذهان مردم و دولت‌های منطقه زیر سؤال برود. در درون جامعه صهیونیستی از ابتدای تأسیس، چند انگاره از جمله قوم بر گزیده، سرزمین مقدس و کتاب مقدس وجود داشته که سازه ذهنی سیاستمداران و گفتمان این رژیم را قوام می‌بخشد. این انگاره‌ها در طیف‌های مختلف مذهبی، سیاسی- اجتماعی در این رژیم بازتاب داشته است. صهیونیست‌های راست‌گرا که در حال حاضر تحت رهبری بنیامین نتانیاهو در قدرت قرار دارند، قدس را پایتخت ابدی رژیم و غیر قابل مذاکره می‌دانند و توسعه شهرک‌ها در اراضی فلسطینی و به برگشتن به مرزهای ۱۹۶۷م‌از اصول سیاسی خود تلقی می‌کنند. مطابق با آموزه‌های صهیونیستی طیف راست که بر ایستارهای تلمود و تورات بنیان نهاده شده، یهودیان نزد خداوند یک قوم مقدس هستند و خداوند آنها را بین تمام اقوام روی زمین بر گزید تا قوم خاص او باشند. بر اساس این آموزه‌ها، هر گونه تسلطی و سطاهی بر یهودیان ناپذیرفتنی است و باید همه یهودیان حتی شهرک‌های یهودی‌نشین کرانه باختری، تحت حکومت اسرائیل بزرگ باشند.

■ انگاره محور امنیت منطقه

علاوه بر انگاره‌های سنتی مذکور، در دو دهه اخیر چندین انگاره در بین صهیونیست‌ها رواج یافته است که یکی از آنها تبدیل شدن به محور امنیت منطقه است. رژیم صهیونیستی سازمان ملل دربارۀ خاورمیانه جدید سخنرانی کرد و با نشان دادن مسیر کریدور IMEC که از هند شروع و پس از عبور از امارات، عربستان و اردن به بندر حیفا می‌رسد و به اروپا ختم می‌شود، از اسرائیل به عنوان محور امنیت منطقه نام برد. هدف این تصمیم‌ها از تقای جایگاه این رژیم به عنوان هژمون منطقه‌ای بود، اما حمله حماس این طرح را تا کام گذاشت. در عوض این شکست، رهبران این رژیم سخنی می‌گفتند، اما بعد از هفتم اکتبر، انگاره نابودی از سوی برخی مقامات امریکایی و حتی مقامات داخلی خود رژیم نیز رواج یافته است. ترامپ در اظهارات قبلی در قیلت‌های انتخاباتی امریکا گفت که «هی ثباتی در خاورمیانه به‌بالا ترین سطح در پنج دهه اخیر رسید» و اگر او انتخاب شود، اسراییل ظرف دو سال آینده از بین رفته خواهد رفت. «بعد از هفتم اکتبر بیش از نیم میلیون نفر که با اطمینان نداشتن از بهبودی شرایط امنیتی روبرو بودند، سرزمین‌های



این رژیم باشند. جنگ ۱۹۵۶م با مصر، منطقه سینا در مصر را به یک منطقه حاصل تبدیل کرد. جنگ ۱۹۶۷م با سوریه به نین بلندی‌های جولان سوریه را به منطقه حاصل تبدیل کرد. در سال‌های اخیر نیز اسر این رژیم برای کنترل بر دره اردن به همین منظور است. اما هفتم اکتبر و با حملات حوثی‌ها و حزب‌الله لبنان، ساختگی بودن مرزهای امن رژیم اشغالگر نشان داده‌شد.

■ انگاره نابودی

در نهایت باید به انگاره فناپذیری و مانایی رژیم صهیونیستی اشاره کرد. تا قبل از هفتم اکتبر تنها ایران و محور مقاومت بودند که تهدید این رژیم بودند. سخن می‌گفتند، اما بعد از هفتم اکتبر، انگاره نابودی از سوی برخی مقامات امریکایی و حتی مقامات داخلی خود رژیم نیز رواج یافته است. ترامپ در اظهارات قبلی در قیلت‌های انتخاباتی امریکا گفت که «هی ثباتی در خاورمیانه به‌بالا ترین سطح در پنج دهه اخیر رسید» و اگر او انتخاب شود، اسراییل ظرف دو سال آینده از بین رفته خواهد رفت. «بعد از هفتم اکتبر بیش از نیم میلیون نفر که با اطمینان نداشتن از بهبودی شرایط امنیتی روبرو بودند، سرزمین‌های

■ انگاره شکست‌ناپذیری

انگاره شکست‌ناپذیری، یکی از عناصر اصلی مفصل‌بندی گفتمانی رژیم اشغالگر است که حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ آن را به چالش گرفت. در آن جنگ برای اولین بار توان زهری رژیم صهیونیستی، زیر سؤال رفت، شهروندان سرزمین‌های اشغالی به صورت میلیون‌اواره شدند؛ زیرساخت‌های رژیم هدف قرار گرفت، برتری آن در دریا منزل‌زل شد و حزب‌الله توانست آسمان سرزمین‌های اشغالی را نیز هدف نفوذ هوایی قرار دهد. با این حال سران رژیم، طی سال‌های بعد سعی کردند با بازسازی و بازگرداندن، یکی از مهم‌ترین تلاش‌های ارتش اسرائیل در جهت بازسازی سیستم‌های پدافند هوایی، به مرکز سرزمین‌های اشغالی و نقل مکان به مرکز سرزمین‌های اشغالی شده‌اند. در مجموع انگاره‌های مذکور قبل از هفتم اکتبر نه تنها مورد استقبال شهروندان سرزمین‌های اشغالی قرار داشت، بلکه در بسیاری از کشورهای جهان نیز مطرح بود. اما حملات حماس در هفتم اکتبر تمام این انگاره‌ها را با ضعف و سستی روبرو کرد.

توافق ابراهیم بین تل آویو با امارات و بحرین

در سال ۲۰۲۰، امریکا عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان را نیز در دستور کار قرار داد. همچنین دو هفته قبل از طوفان‌الاقصی، نتانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل دربارۀ خاورمیانه جدید سخنرانی کرد و با نشان دادن مسیر کریدور IMEC که از هند شروع و پس از عبور از امارات، عربستان و اردن به بندر حیفا می‌رسد و به اروپا ختم می‌شود، از اسرائیل به عنوان محور امنیت منطقه نام برد. هدف این تصمیم‌ها از تقای جایگاه این رژیم به عنوان هژمون منطقه‌ای بود، اما حمله حماس این طرح را تا کام گذاشت. در عوض این شکست، رهبران این رژیم سخنی می‌گفتند، اما بعد از هفتم اکتبر، انگاره نابودی از سوی برخی مقامات امریکایی و حتی مقامات داخلی خود رژیم نیز رواج یافته است. ترامپ در اظهارات قبلی در قیلت‌های انتخاباتی امریکا گفت که «هی ثباتی در خاورمیانه به‌بالا ترین سطح در پنج دهه اخیر رسید» و اگر او انتخاب شود، اسراییل ظرف دو سال آینده از بین رفته خواهد رفت. «بعد از هفتم اکتبر بیش از نیم میلیون نفر که با اطمینان نداشتن از بهبودی شرایط امنیتی روبرو بودند، سرزمین‌های

انگاره شکست‌ناپذیری، یکی از عناصر اصلی مفصل‌بندی گفتمانی رژیم اشغالگر است که حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ آن را به چالش گرفت. در آن جنگ برای اولین بار توان زهری رژیم صهیونیستی، زیر سؤال رفت، شهروندان سرزمین‌های اشغالی به صورت میلیون‌اواره شدند؛ زیرساخت‌های رژیم هدف قرار گرفت، برتری آن در دریا منزل‌زل شد و حزب‌الله توانست آسمان سرزمین‌های اشغالی را نیز هدف نفوذ هوایی قرار دهد. با این حال سران رژیم، طی سال‌های بعد سعی کردند با بازسازی و بازگرداندن، یکی از مهم‌ترین تلاش‌های ارتش اسرائیل در جهت بازسازی سیستم‌های پدافند هوایی، به مرکز سرزمین‌های اشغالی و نقل مکان به مرکز سرزمین‌های اشغالی شده‌اند. در مجموع انگاره‌های مذکور قبل از هفتم اکتبر نه تنها مورد استقبال شهروندان سرزمین‌های اشغالی قرار داشت، بلکه در بسیاری از کشورهای جهان نیز مطرح بود. اما حملات حماس در هفتم اکتبر تمام این انگاره‌ها را با ضعف و سستی روبرو کرد.